

بررسی مبانی طراحی دروازه در شهر تبریز با تاکید بر کانسپت جوهره ای

۱. محمد رضا رضائی، ۲. خداوردی جعفری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه غیرانتفاعی اسوه معاصر، تبریز، ایران mohamadreza.rezaei@yahoo.com

۲. دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه غیرانتفاعی اسوه معاصر، تبریز، ایران

چکیده

در گذشته ورودی شهر، مفصل اتصال دهنده فضای مصنوع داخل و فضای طبیعی خارج شهر بود که دروازه نیز نامیده می شد. برهم خوردن سلسله مراتب فضایی در نظام کالبدی شهرها از جمله تبریز به دلیل مدرنیزه شدن، فضاهای ورودی شهر را دچار بی هویتی و نابسامانی کرد. این نابسامانیها مبادی ورودی را از حداقل مؤلفه های سازنده یک فضای مطلوب شهری بی بهره می کنند. نخستین فضای برخورد مسافر با شهر ورودی آن است و نخستین تصویر ذهنی و پیش داوری های وی بر این اساس صورت می گیرد. فضای ورودی ویتترین نمایش هویت و معرف شهرها از جمله تبریز می باشد، بنابراین بایستی به گونه ای طراحی و تعریف شود که ارتباطی قوی و عمیق با مخاطبین داشته باشد و در شکل گیری خاطرات جمعی و تصورات ذهنی آنها موثر باشد. متأسفانه الگوی بی مأخذ فلکه و بلوار که در تمام شهرهای ایران تقلید می گردد جوابگوی نیاز شهر امروز نیست. از آنجایی که اساساً توسعه به سمت بیرون در شهرهای ما مقدم بر توسعه درونی است. بدیهی است که در آینده ای نه چندان دور این فلکه و بلوارها که اکنون ورودی شهر محسوب می گردند، در درون شهر جای می گیرند. در این صورت این فضاها به واسطه ابعاد غیر انسانی و بار ترافیکی که به خود جذب می نمایند به جای یک فضای شهری تبدیل به یک معضل شهری می شوند، که هم اکنون در کلانشهر تبریز نیز شاهد آن هستیم. در نهایت توسعه شهرها اجتناب ناپذیر است، بنابراین نوعی آینده نگری به منظور به حداقل رساندن دغدغه های بافت آتی لازم است. این تحقیق درصدد است که حوزه های ورودی شهر تبریز را باتوجه به جوهره یا درون مایه منطقه و بافت شهری منطقه غرب تبریز مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. نتایج پژوهش بصورت مولفه های تقویت کننده ابعاد جوهره ای یا بافت و درون مایه معماری سنتی و جاری منطقه برای طراحی مبادی ورودی شهرها ارائه می شود. پژوهش از نوع بنیادی و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است.

واژه های کلیدی: طراحی معماری، دروازه، فضای ورودی شهری، کانسپت جوهره ای

۱-مقدمه

کالبد شهرها پیکره شکل یافته از برآیند نیروهایی است که در رابطه ای چند سویه بر هم اثر می کنند. در گرانیگاه تاثیر این نیروها برهم، کالبدی به نام شهر عینیت می یابد. این نیروها شامل فرهنگ مردم، نیازهای آنان و شرایط طبیعی محیط است. به همین دلیل شهر یک کالبد همواره در تغییر و رو به رشد است. روند تدریجی تکامل شهرهای قدیم ایران نیز سبب پدید آمدن زیستگاههای منظم و پویا شده بود. اما دگرگونی های پر شتاب ناشی از مدرنیزه شدن سال های اخیر، تحولات غافلگیرانه ای را ایجاد کرد. سرعت این تغییرات تا جایی بود که جوامع فرصت شناخت و درک و تحلیل پدیده هایی تازه را پیدا نکردند و نیازهای تازه ای پیدا کردند که چهره زندگی را دگرگون کرد و چنان شد که فرهنگ جامعه از رشد بازماند و اجتماع دچار گسیختگی و ناهماهنگی آشکاری در همه زمینه ها شد. نبود شناخت کافی از نیازهای تازه سبب شد تا این نیازها پاسخ مناسب خود را در کالبدهایی نارسا و نابهنجار تجسم کنند. در این میان تقریباً همه فعالیت های شهر با سرعتی